

شادی مجلسیان، در قدم و مقدم توست
جای غم باد؛ هر آن دل، که نخواهد شادت! "حافظ"

ما برای شکست خوردن و نابود شدن و نژندی و نومیدی به دنیا
نیامده‌ایم.

نامیدی، مرگ و خواری ست.

شادی، غذای بهشت است. شادی، غذای بهشتیان ست. شادی، غذای
بهشت‌اندیشی ست.

شادی، بیهودگی نیست؛ شادی، رشد است. همین آرامش و شادی‌های
کوچکی که دور و بر ماست، ما را به او - به او که آفریدگار مهربانی‌هاست -
می‌رساند.

زندگی، مجموعه‌ای از همین پنج دقیقه‌هایی ست که در آنیم... آرام باشیم؛
آرام و عمیق و شادان و شادمان.

گمشده‌ی ما، همین مهربانی‌هایی ست که کمتر داریم؛ گمشده‌ی ما،
همان آرامش خاطرهایی ست که باید بیش تر داشته باشیم...

زندگی، غم نیست. زندگی، سنگین باری و جان‌فرسایی نیست.

زندگی، سرخوشانه‌ترین هدیه‌ی حضرت رحمان ست.

هستی، زبان و زبانه‌ی مشترک همه‌ی چیزهایی ست که هستند: ابرها را
نوازش کنیم. باران را بنوازیم. آسمان را سربکشیم و دنیا را طی کنیم.

ما خدای خوبی داریم. ما زمین خوبی داریم. ما زمینه‌های خوبی داریم؛
زمینه‌های خوب شادی و شادمانی؛ در آمیزه‌ای از زندگی و سرزندگی و

طراوت و تازگی و تراوایی...

زندگی، رسم خوشایندی ست..

زندگی، گل به «توان» ابدیت

زندگی، «ضرب» زمین در ضربان دل ما

زندگی، «هندسه»‌ی ساده و یکسان نفس‌هاست.

هر کجا هستیم، باشم، آسمان، مال من است.

پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین، مال من است.

چه اهمیت دارد

گاه اگر می‌رویند

قارچ‌های غربت؟! "سهراب سپهری"



دکتر ابوالقاسم حسینجانی

زندگی، راه و نگاه آنانی ست که تازه و نوبه‌نو
- با شادمانی و سرسختی‌ای تناور و تراوا - ره در پیش گرفته‌اند و بی‌خیالی
غمان و سختی‌ زمان، هماهنگ با همه‌ی هستی، به پیش می‌تازند.
زندگی، دوام و ادامه‌ی راهی ست پُرچالش، اما شورانگیز؛ به‌سوی هدفی
والا و شیرین.

و در این راه پرتلاطم و پرتداوم،

چه خوش خواهد بود که «روح» و «روحیه» مان را، نه تنها که نیازیم،

بلکه هر لحظه و همواره - نیز - از نو بسازیم.

و این، میسر نمی‌شود

مگر این که با ذهنی نواندیش و شاد و آزاد و نوزاد و زبانی شیرین و
نوافرین،

از عهده‌ی طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت و بازمهندسی زندگی مان
برآییم؛

و با همه‌ی جان و جهان خویش، در جرگه‌ی هم‌راهی هارمونی هستی،
درآییم...

زنده بودن، چیزی ست و زندگی کردن، چیزی دیگر.

تنها با شادمانی و شادگانی و شادمانی ست که می‌شود فاصله‌ی وحشتناک
موجود در میان «زنده‌مانی» و «زنده‌گانی» را از میان برداشت.

شادکامی، برخورداری از شادی، در فرآیند کامیابی ست؛

و شادمانی، آن شادی بزرگ و دامنه‌داری ست که پرتلاطم و پرتداوم، در
هر لحظه و هم‌راهی زندگی، حضور و ظهور دارد.

شادی، انرژی ست.

شادی، از جنس آرامش است.

موقعیت‌ها و وضعیت‌های مبارک انسان، فرصت‌های طلایی اوست.

بهشت، عصر طلایی ست. عصر طلایی انسان و جهان.

شیطان، دشمن شادی ست. در عصر طلایی، اثری از شیطان نیست...

باید رفت تا به مقصد رسید. به مقصد آرامش و شادی. عصر مهربانی و
دوستی. عصر «بسم... الرحمن الرحیم».

سلام بر شادی